

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد

۴۱٪
رطوبت هوا

۱۳°↑
۲۶°

صبح ۱۱
ظهر ۲۵

عصر ۲۴
شب ۱۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۵۵:۰۵ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۲:۱۰

غروب آفتاب ۱۶:۳۳:۰۶ اذان صبح فردا ۰۴:۳۲:۰۶

اذان مغرب ۱۶:۵۲:۰۶ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۵۸:۰۵

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

کارتون شهر

راول فرزند روزنا بدون شرح...

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

کتابخوان

مهمانی گروگان ها

نگاهی کوتاه به کتاب «مهمان انقلاب» به قلم یکی از گروگان های امریکایی در ایران

کارتون کوب: چند روز پس از تسخیر لانه جاسوسی

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

کتاب «مهمان انقلاب» به قلم کاترین کوب یکی از گروگان های امریکایی پس از تسخیر لانه جاسوسی است. این کتاب با ترجمه رامین ناصر نصیر چهره سرشناس عرصه بازیگری سال ۱۴۰۰ توسط نشر چشمه در بازار کتاب عرضه شد. «مهمان انقلاب» خاطرات کاترین کوب پیش و پس از اسارت در ایران است. نویسنده با لحنی روان و البته کمی طنزآمیز، درباره روزهای حضور خود در ایران در بحبوحه انقلاب اسلامی صحبت کرده است و اینکه با وجود گروگان بودنشان با آن ها همچون مهمان و بسیار محترمانه رفتار شده است. تسخیر سفارت امریکایی از مهم ترین و تأثیرگذارترین خاطرات آن دوره تاریخی در ایران است که تاکنون بسیاری از افراد، تاریخ نویسان و ... به سراغش رفته اند. اما آنچه کتاب «مهمان انقلاب» را متمایز کرده، بیان رویدادهای این

مقطع از زبان یک گروگان آمریکایی است که در جریان تسخیر لانه جاسوسی امریکا دستگیر شده است. کاترین کوب حدود چهار ماه قبل از تسخیر لانه جاسوسی امریکا، به دنبال بازگشایی سفارت امریکا در ایران و بازگشایی انجمن ایران و امریکا، به ایران آمده بود. اومی گوید به درخواست خود به ایران آمده، زیرا تمایل داشته تحولات پیش روی ایران را در شرایطی که سایه اختناق رژیم پهلوی کنار زده شده بود از نزدیک ببیند. او مدیر انجمن ایران و امریکا بود و یک روز پس از اشغال سفارت، در چهاردهم آبان ۱۳۵۸، در دفتر این انجمن دستگیر شد. جالب ترین جنبه های روایات کاترین کوب در این کتاب شرح ماجرا هایش در آسپزخانه، پخت و پز برای گروگان های دیگر و تلاش های او برای تهیه کاغذ و تزیینات برای درخت کریسمس است.

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

اول شخص

۴۴۴شبانه روز در سفارت

روایتی از تسخیر لانه جاسوسی از نگاه فروز رجایی فر، از دانشجویان فعال پیرو خط امام(ع) که ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در این رویداد تاریخی حضوری مؤثر داشت

فروز رجایی فر در ایام تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

یکم/ انفجار با دست های خالی به چشم نگهبان های ورودی سفارت، این جماعت دانشجوی پرشوری که داشت آرام آرام به درهای سفارت نزدیک می شد. تجمعی بود مثل خیلی از تجمعات دیگر آن روزها. اجتماعی که با شور جوانی و التهابات سیاسی ایام انقلاب، داستان تازه ای نبود. لابد آمده بودند شعار ضد استکباری بدهند و پرچم آمریکا را آتش بزنند و تمام. دو سه ردیف اول تظاهرات را خانم ها تشکیل داده بودند که جلوتر از مردان حرکت می کردند. روی لبشان شعار بود و توی دست هایشان تجهیزات. پشت در سفارت که رسیدند، تازه ابتدای کار بود. مردها در چشم برهم زدنی از درها بالا می رفتند و نگهبانان، بهت زده از هجوم بی سابقه دانشجویها، مغلوب قدرت و کثرت آن ها شده بودند. حالا وقتش رسیده بود آهن برو چیقی و قفل و زنجیر را از لای میله های در عبور دهند. ورودی هایکی پس از دیگری باز میشد و آن ها قدم قدم به قلب اطلاعات محرمانه سفارتخانه نزدیک می شدند. وقتی رسیدند به دری دولایه که به این سادگی ها باز نمی شد، صدای دستگاه های کاغذ رشته کن، عین بمب ساعتی در سرشان ولوله انداخت. هر ثانیه معللی پشت درهای بسته، آمریکایی ها را برای نابودی اسناد بیشتری فرصت می داد. دانشجویها، با دست های خالی به قفل ناشنای پیش روی خود نگاه می کردند. این مایین یکی از دانشجویها با صدای بلند رو به آمریکایی ها فریاد زد: «اگر در را باز نکند اینجا را منفجر می کنیم». همه با چشم های متحیر به هم نگاه می کردند. هیچ مهمانی جز توکل در کار نبود. آمریکایی ها باور کرده بودند. خودشان از ترس درهای چند قفله را باز کردند و بی هیچ انفجاری، کار تمام شد. دستگاه های رشته کن را از برق بیرون کشیدند و دیپلمات ها و کارمندان سفارت یکی یکی پشت سر دانشجویها به راه افتادند. کل عملیات نیم ساعت هم طول نکشید. از اینجای کار به بعد، همه چیز می افتاد دست رسانه ها. خبر خیلی زود باید به گوش مردم و شخص امام(ع) می رسید.

دوم/ انقلابی در سال ۱۳۵۸ دل نوی دل بچه ها نیست. خبر به گوش امام(ع) رسیده. اما هنوز پیغامی از امام(ع) به دانشجویها نرسیده. بیست و چهار ساعتی گذشته. صبح روز ۱۴ آبان است. امام(ع) در جمع گروهی از مردم سخنرانی می کند و بعد بی هیچ سنجشیه ای می رود سراغ اصل مطلب. فروز و دیگر دانشجویها با رادیوی جیبی کوچکی دارند لحظه به لحظه سخنرانی امام(ع) را دنبال می کنند. می فرمایند: «وقتی پیغمبر اسلام(ص) مبعوث شد، شیطان بزرگ خیلی ناراحت شد و همه شیطان بچه ها را دور خودش جمع کرد و گفت که از این به بعد کار بر ما سخت شد و از آن ها مشورت خواست! این انقلاب، مثل آن بخت رسول اکرم(ص)

است و آن شیطان بزرگ در این انقلاب، آمریکاست.» این اولین بار است که امام خمینی(ع) از آمریکا با عنوان «شیطان بزرگ» یاد می کند و کار دانشجویها را انقلابی عظیم تر از انقلاب نخست می داند. به این ترتیب علنی حرکت دانشجویان را تأیید و آن ها را تحسین می کند. موجی از غرور و شادی در اتاق های سفارت به راه می افتد. پخش که تمام می شود، رادیو سرود «خمینی ای امام» را پخش می کند و بچه ها جوری زمزمه اش می کنند انگار دارند آن را برابر جمعیتی عظیم اجرا می کنند.

سوم/ قیمتی ترین قاب آن روزها فروز رجایی فر، از پشت پنجره یکی از اتاق های رو به خیابان سفارت به حضور گاه و بیگاه مردم نگاه می کند. زیر دستش انبوهی از اسناد آمریکایی است

دولش افتاده وسط خیابان. چشم تنگ می کند و زنی روستایی را می بیند که با یک ظرف بزرگ شیر آمده پشت در سفارت. دارد با یکی از دانشجویها که آن روز شیفت نگهبانی دارد، حرف می زند. ظرف شیر را با اصرار به نگهبان می دهد. از اینجایی که فروز نشسته حتی نمی شود لب خوانی کرد. اما چشم های زن، نمایشی است. یک شوق و التماس و صدافتی توی نگاهش دارد که انگار تحفه ای نذر دلاوری دانشجویها کرده است. نمی فهمد دارند چه می گویند اما یک آن می بیند زن جره ای از شیر را سر می کشد و باقی را به نگهبان می دهد. دستگیرش می شود او هم یکی از صدها مرد می است که برای عرض تشکر به سفارت آمده و برای بچه ها دست مریزاد آورده. شیر را سرکشیده تا خیال نکنند مسموم است. چند روز پیش هم یک

روایت روز

هات چاکلت با بوی سیگار برگ

جاسوسی قدم زد، سند دیدم و به خیلی چیزها فکر کردم. هنوز توی اتاق های سفارت خانه سابق که قدم می زنی بوی کنیاک و سیگارهای برگ موبیروهای چشم ابی می آید. هنوز کپ کپ صدای کشش های ورنی شان روی موزاییک های براق به گوش می رسد. گوش که می چسبانی پشت درهای می شنوی که قیچ و بی ادب به پیرجماران مامی گویند «گمینی، ودر کمد هایشان هزار صفحه سند سری و محرمانه است که برنامه خواب هایی است که برای این خاک مظلوم ورشید دیده اند. چه عینک و عصایش و دلی اقیانوس یکهو زد تخت

شاهروز رجایی فر

از پله های مtro طالقانی که می آیی بیرون به سمت غرب خیابان طالقانی یعنی برعکس ماشین ها که قدم بزندی یک دیوار می بینید با آجرهای سرخ. یک دیوار طولانی که تقریباً توی پیاده رو جلوی شما می افتد. در پنجره ای چیزی ندارد. تخت و صاف است. از اهالی آن دور و بر بپرسی بعد از لانه قبل از لانه آدرس می دهند و خب طبیعتاً منظورشان لانه هواپیما یا لانه ی پرنده نیست، لانه ی جاسوسی است. یک ساختمان عریض و طویل که قبلاً سفارتخانه بود که چه عرض کنم مرکز فعالیت های جاسوسی و الان ساختمان فعالیت های دانشجویی است و گوشه اش هم یک کافه ای دارد که شکلات داغ های معر که ای می دهد. بارها قرارهای کاری ام را توی همین کافه گذاشته ام. بارها توی موزه این لانه ی

عکس روز

لانه ای که به تاریخ پیوسته است

هم زمان با ۱۳ آبان سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا به دست دانشجویان ایرانی، خبرنگار شهرآرا به این مکان پر از خاطرات رفته و تصاویری از موزه «لانه جاسوسی» به ثبت رسانده است.

این بنای تاریخی در سال ۱۹۴۸ ساخته شد و از سال ۱۹۵۱ به بهره برداری رسید. این مجموعه در زمینی به مساحت ۴۴ هزار مترمربع در خیابان طالقانی تهران واقع است. اکنون تنها یک طبقه از ساختمان سفارت برای بازدید عموم بلامانع است که شامل دفتر کار سفیر، اتاق جلسات سری، بخش استراق سمع، اتاق های سری گاو صندوقی، شنود و ارتباط ماهواره ای و ... است.

عکس: علی صمدی جوان / شهرآرا

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای